

بررسی تأثیر سازوکارهای نظام راهبری شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی (شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران)

دکتر رؤیا دارابی^{۱*}؛ مهناز پیری^۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۳۰

چکیده

در این پژوهش، تأثیر سازوکارهای نظام راهبری شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی ۷ ساله از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱، بررسی می‌شود. انتظار می‌رود، استقرار سازوکارهای نظام راهبری شرکتی مناسب، ضمن نظارت‌پذیرتر ساختن فرایند گزارشگری مالی از کاهش کیفیت گزارش‌های مالی جلوگیری کند. در پژوهش حاضر از دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی از طریق اجزای سود عملیاتی، به‌عنوان سنجۀ کیفیت گزارشگری مالی و از نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره، میزان سهام تحت تملک سرمایه‌گذاران نهادی، تمرکز قدرت، اندازه هیئت مدیره، ساختار مالکیت، نوع مالکیت، درصد سهام شناور آزاد، کیفیت حسابرسی، وجود حسابرسی داخلی، کیفیت گزارش حسابرسی و دوره تصدی حسابرسان به‌عنوان سازوکارهای نظام راهبری شرکتی استفاده شد. در مجموع، تعداد ۱۰۰ شرکت به‌عنوان نمونه، انتخاب و با استفاده از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه، نتایج تحلیل شد. یافته‌های پژوهش نشان داد شاخص توانایی سازوکارهای نظام راهبری شرکتی که شامل تمامی ویژگی‌های ساختاری مورد بررسی در این پژوهش است، بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بی‌تأثیر است. به‌علاوه، در بررسی تأثیر سازوکارهای نظام راهبری شرکتی به‌صورت منفرد مشخص شد، تنها کیفیت گزارش حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها مؤثر بوده است.

واژه‌های کلیدی: نظام راهبری شرکتی، کیفیت گزارشگری مالی، پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی.

۱. مقدمه

حسابرسان مستقل خواسته است علاوه بر بررسی قابل قبول بودن رویه‌های استفاده‌شده در گزارشگری مالی، درباره کیفیت آنها نیز با کمیته حسابرسی شرکت‌های گزارشگر مذاکره کنند. در سال‌های اخیر، بحث نظام راهبری شرکتی به یکی از موضوعات مورد توجه پژوهش‌های علمی و حرفه‌ای تبدیل شده است (برای مثال: گزارش کمیته بلوریون، ۱۹۹۹؛ گزارش رمسی^۳، ۲۰۰۱؛ قانون سربنیز - آکسلی^۴، ۲۰۰۲؛ کوهن^۵ و همکاران، ۲۰۰۴؛ بیچاک^۶ و کوهن، ۲۰۰۴؛ هیلب^۷، ۲۰۰۵؛ روئه^۸، ۲۰۰۵). بخشی از تأکید این پژوهش‌ها، به فروپاشی شرکت‌های بزرگی چون انرون^۹، ورلدکام^{۱۰} و پارمالات^{۱۱} بر اثر تقلب‌های موجود در

نظام راهبری شرکتی^۱ در ابتدای قرن بیست و یکم، دوباره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث کسب و کار مطرح شده است (میدری و حجاریان، ۱۳۸۳). تأکید مبانی اولیه نظام راهبری شرکتی، بیشتر بر موضوع راهبرد شرکت‌ها و حقوق سهامداران قرار داشت که بعدها با طرح دیدگاه‌های جدیدتر، به سمت توجه جدی به حقوق کلیه ذی‌نفعان و اجتماع گرایش یافت (حساس یگانه، ۱۳۸۳). یکی از مهم‌ترین وظایفی که نظام راهبری شرکتی می‌تواند برعهده گیرد، اطمینان‌دهی درباره کیفیت فرایند گزارشگری مالی است. کمیته بلوریون^۲ (۱۹۹۹)، در گزارش خود، از

^۱ دانشیار، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران جنوب *پست الکترونیکی نویسنده اصلی: royadarabi110@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

1. Corporate Governance
2.
3. Ramsay
4. Sarbanes-Oxley Act
5. Cohen
6. Bebachuck

7. Hilb
8. Roe
9. Enron

10. Worldcom
11. Parmalat

است. درحقیقت، می‌توان گفت مسئولیت پاسخگویی، شاهبیت اهداف حاکمیت شرکتی است.

ارتباط سازوکارهای نظام راهبری شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی: با جداشتن مالکیت و مدیریت در شرکت‌های سهامی، مدیران، به‌عنوان نماینده سهامداران، شرکت را اداره می‌کنند. با گذشت زمان، این رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران به‌وجود می‌آورد که به آن مشکل نمایندگی اطلاق می‌شود. یعنی این امکان بالقوه به‌وجود می‌آید که مدیران تصمیماتی اتخاذ کنند که در راستای منافع خود و عکس منافع سهامداران باشد. یکی از عوامل شکل‌دهی مشکل نمایندگی بین مدیران و سهامداران، عدم شفافیت اطلاعاتی بین آنها است و به همین دلیل، سهامداران نمی‌توانند اعمال و فعالیت‌های مدیران را به‌طور مستمر کنترل کنند. برای حصول اطمینان از ایفای مسئولیت افشا و شفافیت مناسب اطلاعات بنگاه‌های اقتصادی درمقابل عموم و افراد ذی‌نفع، باید نظارت و مراقبت کافی به‌عمل آید. اعمال نظارت و مراقبت در این زمینه، مستلزم وجود سازوکارهای مناسب است؛ ازجمله این سازوکارها، طراحی و اجرای مناسب «نظام راهبری شرکتی» در شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی است. نظام راهبری شرکتی، اجرای مجموعه مکانیزم‌های کنترل داخلی و خارجی شرکت است که تعیین می‌کند شرکت‌ها چگونه و ازسوی چه کسانی اداره می‌شوند و روند مناسب پاسخگویی و انتشار مناسب اطلاعات شرکت به ذی‌نفعان چگونه باید باشد. از این رو، نظام راهبری شرکتی فرایندی است که موجب می‌شود گزارشگری مالی شرکت که ازسوی مدیران آن تهیه می‌شود، دارای کیفیت بالاتری باشد (شمسی‌نژاد، ۱۳۸۷). از این رو، انتظار بر این است میان سازوکارهای نظام راهبری شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت (مستقیم) برقرار باشد.

برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه به شرح زیر است:

فرکر^۲ (۱۹۹۲) در پژوهشی، رابطه بین نظام راهبری شرکتی و کیفیت افشای اطلاعات را بررسی کرد و به این

گزارشگری مالی و بخش دیگر، به ادعاهای مطرح‌شده درخصوص تحریف آشکار سود شرکت‌ها ازسوی مدیران آنها مربوط می‌شود. به همین منظور، مراجع قانونی ذی‌صلاح همواره با وضع قوانین و مقررات، به‌دنبال افزایش کیفیت گزارشگری مالی با استفاده از شیوه‌هایی همچون الزام مدیران شرکت‌ها به تأیید آنچه گزارش می‌کنند، تقویت و توسعه معیارهای نظام راهبری شرکتی و افزایش استقلال حساب‌رسان هستند. هدف نظام راهبری شرکتی، کاهش تضاد منافع بین مدیران و مالکان است. بنابراین، ممکن است بین نظام راهبری شرکتی و گزارشگری مالی رابطه وجود داشته باشد. هدف کلی این پژوهش، بررسی تأثیر سازوکارهای نظام راهبری شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی است. بررسی مطالعات انجام‌شده در جهان در زمینه گزارشگری مالی نشان می‌دهد رابطه مثبت و مستقیمی بین نظام راهبری شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد. از آنجا که نتایج مطالعات پیشین در کشورهای مختلف متفاوت بوده است، در پژوهش حاضر، بر آن شدیم رابطه میان نظام راهبری شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کنیم.

۲. ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

در دهه‌های اخیر، حاکمیت شرکتی به یکی از جنبه‌های اساسی تجارت مبدل شده و توجه به آن، روز به روز در حال افزایش است. تعاریف موجود از حاکمیت شرکتی در طیفی گسترده قرار می‌گیرند. رویکردهای محدود که به رابطه بین شرکت و سهامداران محدود می‌شود، در یک سو و رویکردهای گسترده که به حقوق همه ذی‌نفعان توجه جدی دارد، در سوی دیگر طیف قرار می‌گیرند. رویکردهای محدود در قالب تئوری نمایندگی و رویکردهای گسترده در قالب تئوری ذی‌نفعان بیان می‌شود. بررسی تعاریف متعدد از حاکمیت شرکتی، نشان می‌دهد که مسئولیت پاسخگویی جوهره وجودی، حاکمیت شرکتی است و هدف نهایی آن، دستیابی به چهار ویژگی مسئولیت پاسخگویی، شفافیت، عدالت (انصاف) و رعایت حقوق ذی‌نفعان

کنترل، هیئت مدیره و ساختار مالکیت و برای اندازه‌گیری کیفیت اطلاعات مالی از ارقام تعهدی اختیاری استفاده کرد. در پژوهش انجام‌شده در داخل کشور، سجادی، زراءنژاد و جعفری (۱۳۸۸)، ویژگی‌های غیرمالی مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتایج نشان داد اندازه شرکت، عمر شرکت و نوع صنعت، رابطه مثبت معنادار و ساختار مالکیت، رابطه منفی با کیفیت گزارشگری مالی دارد؛ اما رابطه نوع مؤسسه حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی از لحاظ آماری معنادار نبود.

نهندی و نیکومرام (۱۳۸۸)، پژوهشی تحت عنوان «تبیین و ارائه الگویی برای تعیین و ارزیابی عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی» انجام دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که کیفیت گزارشگری مالی با رقابت در بازار محصول، محافظه‌کاری مدیریت، اندازه، سرمایه‌بربودن فعالیت، چرخه عملیاتی و پیچیدگی محیط فعالیت شرکت، دارای رابطه منفی و با حاشیه سودآوری و کارایی مدیریت شرکت، دارای رابطه مثبت معنی‌داری است.

کردستانی و رحیمی (۱۳۹۰)، پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل تعیین‌کننده انتخاب سطح کیفیت گزارشگری مالی و اثرات اقتصادی آن در بازار سرمایه» انجام دادند. نتایج پژوهش حاکی از وجود یک رابطه مثبت بین مالکیت نهادی و سطح کیفیت گزارشگری مالی است که از نظر آماری، معنی‌دار است. بین رشد فروش، سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت و اهرم مالی و سطح کیفیت گزارشگری رابطه معناداری وجود ندارد. به‌علاوه، بین سطح کیفیت گزارشگری مالی با هزینه سرمایه سهام عادی و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری مشاهده نشد.

معین‌الدین و دهقان (۱۳۹۱)، تأثیر ساختار نظام راهبری شرکتی بر کیفیت افشای اطلاعات را با استفاده از دو معیار به موقع بودن و قابلیت اتکا بررسی کردند. نتایج حاصل از این تجزیه و تحلیل، حاکی از آن است که بین درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی و تمرکز قدرت با امتیاز نهایی افشای

نتیجه رسید که بین اندازه شرکت و کیفیت افشای اطلاعات رابطه معناداری وجود ندارد؛ درحالی‌که بین کمیته حسابرسی شرکت و کیفیت افشا، رابطه معکوسی وجود دارد. البته شایان ذکر است که کلارکسون و دیگران^۱ (۲۰۰۳) شواهدی را مبنی بر تأثیرگذاری مثبت مدیران مستقل بر سطح افشای اختیاری ارائه کرده‌اند.

سانگ^۲ و ویندرم^۳ (۲۰۰۴) نشان دادند که استقلال اعضای هیئت مدیره، دانش مالی مدیران و فعال‌بودن کمیته حسابرسی، موجب بهبود اثربخشی کمیته مذکور در زمینه گزارشگری مالی و مالکیت سهام شرکت از سوی اعضای هیئت مدیره و تعدد عضویت آنان در هیئت مدیره سایر شرکت‌ها، باعث کاهش اثربخشی مذکور می‌شود.

چانگ^۴ و سان^۵ (۲۰۰۸)، در پژوهشی دریافتند که پس از رسوایی‌های مالی، سرمایه‌گذاران به این موضوع توجه بیشتری کردند که دوگانگی وظیفه مدیرعامل، ممکن است وظیفه امانتداری هیئت مدیره در نظارت بر گزارشگری مالی را به مخاطره اندازد. به‌علاوه، آنان عنوان کردند، دوگانگی وظیفه مدیرعامل ممکن است به‌طور بالقوه، ریسک تصمیم‌گیرنده نهایی بودن مدیرعامل در زمینه گزارشگری مالی را افزایش دهد.

ال‌صوفی^۶ و همکاران (۲۰۱۳)، با استفاده از پرسشنامه، تأثیر حاکمیت شرکتی روی کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار مالی کشور عمان را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که تهیه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از مفهوم نظام راهبری شرکتی کاملاً آگاه‌اند و به‌کارگیری کارآی نظام راهبری شرکتی بر کیفیت اطلاعات مالی مؤثر است و باعث دقیق‌تر و باکیفیت‌تر شدن اطلاعات مالی می‌شود. فتحی^۷ (۲۰۱۳) با بررسی ۲۵۰ شرکت فرانسوی، طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸، به این نتیجه رسید که کیفیت اطلاعات مالی، رابطه مثبت با کیفیت هیئت مدیره و کیفیت ساختار مالکیت شرکت دارد. او در پژوهش خود، برای اندازه‌گیری نظام راهبری شرکتی از شاخص جهانی، شامل ۶۴ قلم و سه شاخص فرعی مربوط به کیفیت سیستم

1. Clarkson
2. Song, J.

3. Windram, B.
4. Chang, J. Ch

5. Sun, h. L.
6. Al Sufy, F. J.

7. Fathi, J.

شرکتی و اجزای آن رابطه معنی‌داری وجود دارد. درحالی‌که بین نسبت مدیران غیرموظف در هیئت مدیره و امتیاز نهایی افشای شرکتی و اجزای آن رابطه معنی‌داری مشاهده نشد.

چالاکي^۱ و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی، ویژگی‌های نظام راهبری شرکت و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار را بررسی کردند. آنان با استفاده از الگوی مک‌نیکل (۲۰۰۲) و کولینز و کوتاری (۱۹۸۹)، کیفیت اطلاعات مالی را اندازه‌گیری کردند و ساختار مالکیت، تمرکز مالکیت، استقلال هیئت مدیره و تعداد اعضای هیئت مدیره را نیز به‌عنوان ویژگی نظام راهبری شرکتی در نظر گرفتند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین ویژگی‌های نظام راهبری شرکت و کیفیت گزارشگری مالی ارتباطی وجود ندارد. علاوه بر آن، بین متغیرهای کنترلی (اندازه مؤسسه حسابرسی، اندازه شرکت و سن شرکت) و کیفیت اطلاعات مالی نیز ارتباطی وجود ندارد.

۳. فرضیه‌های پژوهش

باتوجه به مقدمه و ادبیات نظری ارائه‌شده، این پژوهش دارای یک فرضیه اصلی و یازده فرضیه فرعی به شرح زیر است:

فرضیه اصلی پژوهش:

بین شاخص نظام راهبری شرکت‌های با کیفیت بالای گزارشگری مالی و شرکت‌های با کیفیت پایین گزارشگری مالی، تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی پژوهش:

فرضیه اول: بین نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره شرکت‌های با گزارشگری مالی با کیفیت بالا و با کیفیت پایین، تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین تمرکز قدرت (یکی‌بودن ریاست هیئت مدیره و مدیرعامل) شرکت‌های با گزارشگری مالی با کیفیت بالا و با کیفیت پایین، تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین اندازه هیئت مدیره شرکت‌های با گزارشگری مالی با کیفیت بالا و با کیفیت پایین، تفاوت

معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین میزان سهام تحت تملک سرمایه‌گذاران نهادی شرکت‌های با گزارشگری مالی با کیفیت بالا و با کیفیت پایین، تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین ساختار مالکیت (اصلی و فرعی-بودن) شرکت‌های با گزارشگری مالی با کیفیت بالا و با کیفیت پایین، تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ششم: بین نوع مالکیت (دولتی یا خصوصی-بودن) شرکت‌های با گزارشگری مالی با کیفیت بالا و با کیفیت پایین، تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه هفتم: بین درصد سهام شاور آزاد شرکت‌های با گزارشگری مالی با کیفیت بالا و با کیفیت پایین، تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه هشتم: بین اندازه حسابرسی (مرجع حسابرسی؛ سازمان یا مؤسسات حسابرسی) شرکت‌های با گزارشگری مالی با کیفیت بالا و با کیفیت پایین، تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه نهم: بین وجود ارگان حسابرسی داخلی شرکت‌های با گزارشگری مالی با کیفیت بالا و با کیفیت پایین، تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه دهم: بین کیفیت گزارش حسابرسی (نوع گزارش حسابرسی) شرکت‌های با گزارشگری مالی با کیفیت بالا و با کیفیت پایین، تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه یازدهم: بین دوره تصدی حسابرسان (تغییر و جایگزینی حسابرسان) شرکت‌های با گزارشگری مالی با کیفیت بالا و با کیفیت پایین، تفاوت معناداری وجود دارد.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر، باتوجه به دسته‌بندی، کاربردی است. به‌علاوه، روش پژوهش باتوجه به هدف پژوهش، «توصیفی» است. از آنجا که در پژوهش حاضر، تأثیر سازوکارهای نظام راهبری شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی، بررسی و مقایسه می‌شود، جزء تحقیقات تجربی حسابداری و از لحاظ نحوه اجرا، جزء تحقیقات علی - مقایسه‌ای است. در این پژوهش، باتوجه به نوع داده‌ها از

توانایی سازوکارهای نظام راهبری شرکتی، در ابتدا، سازوکارهای نظام راهبری شرکتی به شرح زیر تعریف می‌شوند:

نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره: در این پژوهش، برای شرکت‌هایی که درصد اعضای غیرموظف بالاتری نسبت به ۵۰٪ دارند، ارزش ۱ و برای بقیه، ارزش صفر داده می‌شود. دوگانه‌بودن مسئولیت مدیرعامل: اگر مدیرعامل، رئیس هیئت مدیره نباشد، ارزش ۱ و در غیر این صورت، ارزش صفر را اختیار می‌کند.

اندازه هیئت مدیره: در صورتی که تعداد اعضای هیئت مدیره بیش از پنج نفر باشد، ارزش ۱ و در غیر این صورت، ارزش صفر تعلق می‌گیرد.

میزان سهام تحت تملک سرمایه‌گذاران نهادی: در این پژوهش، به شرکت دارای سه سهامدار نهادی که مجموع درصد سهام آنها بالای ۵۰٪ باشد، ارزش ۱ و برای بقیه، ارزش صفر لحاظ می‌شود.

درصد سهام شناور آزاد: در این پژوهش، برای شرکت‌هایی که میزان سهام شناور آنها کوچک‌تر از میانه کل نمونه در دوره مورد بررسی است، ارزش ۱ و برای بقیه، ارزش صفر در نظر گرفته می‌شود.

اندازه حسابرسی: برای محاسبه این متغیر، اگر حسابرس شرکت عضو نمونه آماری سازمان حسابرسی باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت، عدد صفر لحاظ می‌شود.

حسابرس داخلی: در صورتی که شرکت دارای حسابرس داخلی باشد، به آن ارزش ۱ و در غیر این صورت، ارزش صفر تعلق می‌گیرد.

نوع گزارش حسابرس: در صورتی که نوع اظهارنظر حسابرس نسبت به صورت‌های مالی شرکت مورد بررسی، مقبول باشد، به آن ارزش ۱ و در غیر این صورت، ارزش صفر تعلق می‌گیرد.

تغییر و جایگزینی حسابرس: در صورتی که شرکت در دوره مورد بررسی، حسابرس مستقل خود را تغییر داده باشد، ارزش ۱ و در غیر این صورت، ارزش صفر تعلق می‌گیرد.

پس از مشخص شدن متغیرها، توانایی سازوکارهای نظام راهبری شرکتی به شرح زیر، محاسبه و شرکت‌های با نظام

روش داده‌های تجمعی یا ترکیبی استفاده شده است، زیرا به‌منظور بررسی تأثیر سازوکارهای نظام راهبری شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها، مشاهدات آماری از دو جنبه متفاوت بررسی می‌شوند؛ از یک سو، درمیان شرکت‌های مختلف و از سوی دیگر، در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۱ آزمون می‌شوند. فرضیه‌های پژوهش حاضر با استدلال قیاسی تدوین شده و روش انجام پژوهش، از نوع تحقیقات استقرایی است. این پژوهش با بررسی کتابخانه‌ای و بررسی صورت‌های مالی شرکت‌های مورد پژوهش، انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، مجموعه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۱ است. باتوجه به این موضوع که برای آزمون برخی از مدل‌های پژوهش، محاسبه تغییرات سال t نسبت به سال $t-1$ ضروری است و در برخی دیگر، تغییرات سال t نسبت به سال $t+1$ سنجیده می‌شود، عملاً دوره پژوهش ۵ سال است. نمونه‌گیری، به روش حذفی سیستماتیک یا هدفمند با اعمال شرایط زیر انجام شده است:

- شرکت باید قبل از سال ۱۳۸۵ در بورس، پذیرفته و از ابتدای سال ۱۳۸۵ سهامش در بورس معامله شده باشد.

- شرکت نباید در دوره پژوهش تغییر سال مالی داده باشد.

- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند.

- دسترسی لازم به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی همراه و گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی، گزارش فعالیت هیئت مدیره به مجمع عمومی عادی سالانه و تصمیمات مجمع عمومی عادی سالانه شرکت‌ها وجود داشته باشد.

- این شرکت‌ها نباید در طول سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۱

معاملاتشان در بورس، دچار وقفه شده باشد. به عبارت دیگر، سهام این شرکت‌ها در طول این سال‌ها در بورس فعال باشد.

باتوجه به شرایط بالا، از بین جامعه آماری، ۱۰۰ شرکت به‌عنوان نمونه انتخاب شد.

۴-۱. مدل‌های پژوهش

مدل استفاده‌شده برای اندازه‌گیری توانایی سازوکارهای نظام راهبری شرکتی: برای اندازه‌گیری

$\varepsilon_{i,t}$: مقدار خطا که فرض می‌شود دارای میانگین صفر و واریانس ثابت باشد.

در این مدل، علامت ضریب متغیرها، پیش‌بینی و از طریق انجام آزمون‌های آماری نیز اثبات شده است. جریان نقدی، تغییرات حساب‌های دریافتی، تغییرات موجودی کالا و هزینه استهلاک، دارای ارتباط مثبت با جریان نقدی آتی است. تغییرات حساب‌های پرداختی دارای ارتباط منفی با جریان نقدی آتی است. درباره سایر اقلام تعهدی نمی‌توان پیش‌بینی خاصی انجام داد.

معیار تجربی اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی، قدر مطلق پسماندها، یعنی $RES = |ei,t|$ است. این پسماندها، عدم ارتباط جریان‌های نقدی عملیاتی آینده با سودهای عملیاتی جاری را منعکس می‌کند. هر قدر اندازه پسماندها کمتر باشد، نمایانگر کیفیت گزارشگری مالی است. اگر پسماندهای رابطه بین جریان‌های نقدی عملیاتی آینده و سود عملیاتی جاری، مساوی و یا کمتر از میانه آنها باشد، کیفیت گزارشگری مالی برابر با یک و اگر بیشتر باشد، برابر با صفر در نظر گرفته می‌شود. رابطه ریاضی این شاخص به صورت رابطه ۱ است:

رابطه ۱

میان $|et|$ شرکتها $|ei,t| \leq$ اگر $FIRQ_{i,t}=1$
میان $|et|$ شرکتها $|ei,t| >$ اگر $FIRQ_{i,t}=0$
مدل ۲:

مدل بارث، تعدیل و هزینه استهلاک از جریان‌های نقدی عملیاتی کسر می‌شود:

$$CFO_{i,t+1} = \alpha_0 + \beta_1(CFO_{i,t} - DEPI_{i,t}) + \beta_2\Delta ARI_{i,t} + \beta_3\Delta INVI_{i,t} + \beta_4\Delta API_{i,t} + \beta_5DEPI_{i,t} + \beta_6OTHER_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل ۳:

هزینه استهلاک از مدل حذف می‌شود:

$$CFO_{i,t+1} = \alpha_0 + \beta_1CFO_{i,t} + \beta_2\Delta ARI_{i,t} + \beta_3\Delta INVI_{i,t} + \beta_4\Delta API_{i,t} + \beta_5OTHER_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل ۴:

مدل کوهن که به جای هزینه استهلاک، از تغییرات

راهبری قوی و ضعیف از یکدیگر تفکیک می‌شوند:

$$GINDEX = \left| \frac{djm_{j=1}}{Hj_{nj=1}} \right|$$

در رابطه بالا، Σdj بیانگر کلیه اقلامی است که امتیاز ۱ گرفته‌اند و ΣHj نشان‌دهنده کلیه اقلامی است که ارزش‌های ۰ یا ۱ درباره آنها لحاظ شده است. به این ترتیب، درباره هر شرکت، شاخص توانایی سازوکارهای نظام راهبری شرکتی اندازه‌گیری شده است و در دامنه ۰ تا ۱ قرار می‌گیرد. از این رویکرد در تحقیقات افرادی چون والاس، کوک، احمد و نیکولس، سجادی و دیگران برای اندازه‌گیری کیفیت افشا استفاده شده است.

مدل بارث^۱ و دیگران (۲۰۰۱): این مدل، دقت پیش‌بینی

جریان‌های نقدی آتی مورد انتظار از طریق سود حسابداری را به عنوان شاخص کیفیت گزارشگری مالی تلقی می‌کند. در این پژوهش، مبنای اندازه‌گیری، کیفیت گزارشگری مالی پسماندهای به دست آمده از برآورد مدل رگرسیون شماره ۱ است:

مدل ۱:

$$CFO_{i,t+1} = \alpha_0 + \beta_1CFO_{i,t} + \beta_2\Delta ARI_{i,t} + \beta_3\Delta INVI_{i,t} + \beta_4\Delta API_{i,t} + \beta_5DEPI_{i,t} + \beta_6OTHER_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

$CFO_{i,t}$: جریان نقدی حاصل از عملیات برای شرکت

i در سال t

$\Delta ARI_{i,t}$: تغییر در حساب‌های دریافتی

$\Delta INVI_{i,t}$: تغییر در موجودی‌ها

$\Delta API_{i,t}$: تغییر در حساب‌های پرداختی و بدهی‌های معوق

$DEPI_{i,t}$: هزینه استهلاک دارایی‌های ثابت مشهود و نامشهود

نامشهود

$OTHER_{i,t}$: خالص سایر اقلام تعهدی که به صورت

زیر محاسبه می‌شود:

$$OPI_{i,t} = (CFO_{i,t} + \Delta ARI_{i,t} + \Delta INVI_{i,t} - \Delta API_{i,t} - DEPI_{i,t})$$

$OPI_{i,t}$: سود عملیاتی

هزینه استهلاک استفاده می‌شود:

$$CFO_{i,t+1} = \alpha_0 + \beta_1 CFO_{i,t} + \beta_2 \Delta AR_{i,t} + \beta_3 \Delta INV_{i,t} + \beta_4 \Delta AP_{i,t} + \beta_5 \Delta DE_{i,t} + \beta_6 OTHER_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

بعد از مقایسه مدل‌های بالا، از مدلی استفاده خواهد شد که از نظر معادله رگرسیون معنادارتر باشد.

در پژوهش حاضر از آزمون تحلیل رگرسیون برای برآورد کیفیت گزارشگری مالی استفاده شده است که مبتنی بر داده‌های پانل (داده‌های تابلویی) است. برای آزمون فرضیه‌ها

در مرحله اول، کیفیت گزارشگری مالی ارزیابی می‌شود؛ سپس، در مرحله دوم، با استفاده از آزمون مقایسه میانگین‌ها، فرضیه‌های پژوهش بررسی خواهد شد.

۵. نتایج پژوهش

در بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل داده‌ها، با استفاده از شاخص‌های مرکزی و شاخص‌های پراکندگی انجام شده است. خلاصه وضعیت آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و شکل توزیع متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشی‌دگی
جریان نقد عملیاتی دوره آتی	۱۶۳۰۰۷	۳۹۱۴۳	۴۷۰۱۶۹۶	-۱۵۲۹۰۲۳	۵۲۸۰۴۷	۵/۶۱۶۱	۴۵/۶۲۶۹
جریان نقد عملیاتی دوره جاری	۱۶۱۲۴۵	۳۷۲۵۳	۴۷۷۸۴۲۳	-۱۵۲۹۰۲۳	۴۹۶۹۴۹	۵/۹۲۹۴	۴۹/۲۳۸۶
تغییرات حساب‌های دریافتی	۶۲۴۱۷	۹۷۴۵	۲۳۹۲۷۲	-۶۹۱۲۵۶	۲۴۹۳۲۲	۵/۴۱۰۵	۴۲/۳۶۶۱
تغییرات موجودی کالا	۳۵۵۸۸	۴۴۳۸	۱۸۷۹۷۰۸	-۹۲۸۸۶۲	۱۷۸۶۲۴	۴/۲۴۷۴	۴۲/۳۳۰۰
تغییرات حساب‌های پرداختی	۵۲۶۵۷	۱۰۵۵۱	۱۳۷۲۶۸۶	-۱۵۲۳۵۸۰	۱۸۲۸۶۰	۱/۷۹۳۸	۲۶/۳۷۶۵
تغییرات هزینه استهلاک	۳۸۳۰	۴۳۸۰	۲۶۰۰۷۵	-۹۲۳۵۴	۲۱۹۵۱	۵/۹۱۹۵	۶۳/۹۶۲۷
سایر اقلام تعهدی	-۱۰۱۹۲۳	-۲۱۴۵۸	۱۲۴۳۰۴۶	-۲۶۱۸۵۱۸	۳۶۶۰۵۲	-۳/۵۸۳۵	۲۲/۴۴۶۳
نسبت مدیران غیرموظف در هیئت مدیره	۶۱/۸۵	۶۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۰/۰۰۰	۲۱/۶۷	-۰/۶۷۰۲	۳/۵۷۹۴
شاخص توانایی سازوکارهای نظام راهبری شرکتی	۶۰/۱۱	۶۳/۶۳	۹۰/۹۰	۱۸/۱۸	۱۲/۹۱	-۴۹/۷۷	۲/۸۵۸۷
نسبت سهام تحت تملک سرمایه‌گذاران نهادی	۶۶/۳۱	۷۰/۰۴	۹۸/۰۵	۰/۰۰۰	۲۰/۸۸	-۰/۸۶۸۱	۳/۵۷۳۲
نسبت سهام شناور آزاد	۲۵/۶۸	۲۵/۰۰	۹۰/۰۰	۱۰۰،	۱۵/۵۹	۱/۰۲۳۴	۴/۳۸۳۱
اندازه هیئت مدیره	۵/۰۰	۵/۰۰	۷/۰۰	۴/۰۰	۰/۲۹۳۵	۴۷/۵	۳۷/۰۱
خطای پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی	۳/۲۰	۹۹/۶۱۲	۲۱۳۰۴۴۰	-۱۵۰۲۳۹۱	۱۹۲۱۸۵	۱/۳۲	۴۵/۷۸

منبع: یافته‌های پژوهشگر

از شواهد چنین برمی‌آید که توزیع متغیرهای فوق نرمال نیست. به این دلیل، بهترین شاخص مرکزی برای توصیف متغیرهای بالا، میانه است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، میانه شاخص توانایی سازوکارهای نظام راهبری شرکتی ۶۳/۶۳ درصد است؛ به این معنا که نظام راهبری شرکتی در شرکت‌های عضو نمونه آماری، تقریباً توانایی مناسبی دارد. به‌علاوه، میانه متغیر خطای پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی از طریق اجزای سود عملیاتی (باقیمانده‌ها)، مطابق با مدل انتخابی کیفیت

گزارشگری مالی (مدل چهارم تعدیل‌شده بارت)، تقریباً برابر با ۶۱۳ است که به‌عنوان معیاری برای گروه‌بندی شرکت‌ها به دو گروه شرکت‌های با کیفیت بالای گزارشگری مالی و شرکت‌های با کیفیت پایین گزارشگری مالی در نظر گرفته شده است.

۵-۱. کیفیت گزارشگری مالی از طریق اجزای سود عملیاتی براساس مدل‌های تعدیل‌شده بارت
در این پژوهش، برای برآورد مدل کیفیت گزارشگری

از طریق اجزای سود عملیاتی، این مدل برای آزمون پژوهش انتخاب می‌شود.

نتایج به دست آمده از الگوی مدل چهارم تعدیل شده بارت به شرح زیر است:

$$CFO_{i,t+1} = \alpha_0 + \beta_1 CFO_{i,t} + \beta_2 \Delta ARI_{i,t} + \beta_3 \Delta INV_{i,t} + \beta_4 \Delta API_{i,t} + \beta_5 \Delta DEPR_{i,t} + \beta_6 OTHER_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

جدول ۲. نتایج آزمون F لیمر

اثرات ثابت	آماره F	درجه آزادی	احتمال
مقطعی	۴/۹۴۸۶	(۴۴۲/۹۷)	۰۰۰/۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۳. نتایج آزمون هاسمن

اثرات تصادفی	آماره Chi-Sq	درجه آزادی	احتمال
مقطعی	۱۴۷/۶۸۷۸	۶	۰۰۰/۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۴. برآورد مدل چهارم تعدیل شده بارت

متغیرها	ضرایب متغیرها	خطای استاندارد	آماره T	VIF	سطح معنی داری
عرض از مبدأ	۰/۳۲۵۲۱۸	۶۴۹۹۰/۵۹۹	۳/۸۷۹۹	-	۰/۰۰۰۱
جریان نقد عملیاتی دوره جاری	۰/۷۳۵۷	۰/۰۳۲۵	۲۲۰/۶۰۱۸	۱۹۲/۱	۰/۰۰۰۰
تغییرات در حساب‌های دریافتی	۰/۳۰۱۱	۰/۰۳۶۶	۸/۲۱۷۴	۵۲۸/۱	۰/۰۰۰۰
تغییرات در حساب‌های پرداختی	۰/۳۵۴۳	۰/۰۵۳۶	۶/۶۰۲۵	۱۶۲/۲	۰/۰۰۰۰
تغییرات در موجودی کالا	۰/۴۱۷۹	۰/۰۳۹۳	۱۰/۶۱۹۱	۵۵۶/۱	۰/۰۰۰۰
تغییرات در هزینه استهلاک	-۰/۴۴۸۰	۰/۱۶۴۲	-۲/۷۲۸۵	۱۳۵/۱	۰/۰۰۶۶
سایر اقلام تعهدی	۰/۳۰۸۶	۰/۰۳۷۰	۸/۳۲۹۷	۶۳۶/۳	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین			۰/۹۲۵۳		
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۹۰۷۹		
آماره دوربین واتسون			۲/۴۲۸۸		
سطح معنی داری مدل			۰/۰۰۰۰		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵-۲. آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش حاضر، باتوجه به اینکه مقیاس متغیرهای توضیحی، مانند دوگانه بودن مسئولیت مدیرعامل، کیفیت حسابرسی، وجود حسابرسان داخلی ... رتبه‌ای و توزیع متغیرهای مانند نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره، درصد سهام شناور آزاد ... نامتقارن است و از طرفی، کیفیت گزارشگری

مالی از رگرسیون خطی چندگانه، به روش حداقل مربعات تعمیم یافته مقطعی (EGLS) استفاده شده است. در روش مذکور، ناهمسانی واریانس مانده‌ها از طریق حداقل کردن مجموع وزنی مربعات مانده‌ها که نمایش دهنده وزن متوسط است، حداقل می‌شود. ابتدا الگوی رگرسیون مربوط به مدل‌ها با استفاده از آزمون‌های F لیمر و هاسمن، برآورد و سپس به منظور آزمون معنی دار بودن الگو از آماره F و برای آزمون معنی دار بودن ضرایب رگرسیون از آماره t استفاده می‌شود. برای آزمون برقراری پیش فرض‌های کلاسیک الگوهای رگرسیون (عادی بودن توزیع اندازه‌های باقیمانده، نبود همبستگی میان باقیمانده‌ها و نبود هم خطی متغیرهای مستقل)، به ترتیب از روش ترسیمی، آماره دوربین واتسون و آماره عوامل افزایش واریانس استفاده شده است.

در مدل چهارم تعدیل شده بارت، میزان ضریب تعیین به دست آمده، بالاتر از سه مدل دیگر نشان داده شده است؛ از این رو، برای دقت پیش بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی

در صورتی که قدر مطلق باقیمانده حاصل از مدل‌های فوق کوچک تر و یا مساوی میانگین قدر مطلق باقیمانده شرکت‌ها شود، گزارش‌های مالی، باکیفیت و در صورتی که بزرگ تر از میانگین قدر مطلق باقیمانده شرکت‌ها شود، گزارش‌های مالی، بی کیفیت تلقی می‌شود.

مالی، دو حالتی است، با استفاده از آزمون ناپارامتریک U مان ویتنی بررسی شده است.

نتیجه آزمون فرضیه اول:

جدول ۵. آزمون ناپارامتریک U مان ویتنی

متغیر	میانگین دو گروه		آزمون تساوی میانگین دو گروه		تأیید یا رد فرضیه
	با کیفیت بالا	با کیفیت پایین	Z	P-Value	
شاخص توانایی سازوکارهای نظام راهبری شرکتی	۲۲۰/۵۰	۲۱۶/۹۲	-۰/۰۹۲	۰/۹۲۷	رد فرضیه

منبع: یافته‌های پژوهشگر

باتوجه به مقدار سطح معنی‌داری شاخص توانایی سازوکارهای نظام راهبری شرکتی، برابر با ۰/۹۲۷ و مقایسه آن با مقدار بحرانی ۵ درصد، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان ادعا کرد بین شاخص توانایی سازوکارهای نظام راهبری شرکتی در شرکت‌های با کیفیت گزارشگری مالی بالا در مقایسه با شرکت‌های با کیفیت گزارشگری مالی پایین، تفاوت معناداری وجود ندارد. از این رو، فرضیه پژوهش رد می‌شود.

در راستای بررسی فرضیه اصلی پژوهش، میانگین هریک از سازوکارهای نظام راهبری شرکتی، به‌صورت جداگانه در دو گروه شرکت‌های با کیفیت بالای گزارشگری مالی و با کیفیت پایین گزارشگری مالی مقایسه شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های فرعی پژوهش در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. آزمون فرضیه‌های فرعی پژوهش

متغیر	میانگین دو گروه		آزمون تساوی میانگین دو گروه		تأیید یا رد فرضیه
	با کیفیت بالا	با کیفیت پایین	Z	P-Value	
نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره	۲۳۵/۰۵	۲۱۱/۹۶	-۰/۶۱۷	۰/۵۳۷	رد فرضیه
میزان سهام تحت تملک سرمایه‌گذاران نهادی	۲۹۰/۰۰	۲۷۳/۱۹	-۰/۳۳۴	۰/۷۳۹	رد فرضیه
تمرکز قدرت	۲۸۸/۲۰	۲۷۳/۲۳	-۰/۴۷۶	۰/۶۳۴	رد فرضیه
اندازه هیئت مدیره	۲۹۵/۷۵	۲۷۳/۰۸	-۱/۴۹۶	۰/۱۳۵	رد فرضیه
ساختار مالکیت	۲۵۱/۹۰	۲۷۳/۹۰	-۰/۵۲۰	۰/۶۰۳	رد فرضیه
نوع مالکیت	۲۱۶/۳۰	۲۷۴/۵۷	-۱/۷۰۱	۰/۰۸۹	رد فرضیه
سهام شناور آزاد	۲۹۳/۶۵	۲۷۳/۱۲	-۰/۴۰۹	۰/۶۸۳	رد فرضیه
اندازه حسابرسی	۲۹۳/۲۵	۲۷۲/۶۲	-۰/۵۶۷	۰/۵۷۱	رد فرضیه
حسابرسی داخلی	۲۳۴/۷۰	۲۷۴/۲۲	-۰/۹۱۰	۰/۳۶۳	رد فرضیه
کیفیت گزارش حسابرسی	۳۵۹/۲۵	۲۷۱/۳۹	-۲/۰۷۶	۰/۰۳۸	تأیید فرضیه
دوره تصدی حسابرس	۲۵۹/۸۰	۲۷۳/۷۶	-۰/۴۴۸	۰/۶۵۴	رد فرضیه

منبع: یافته‌های پژوهشگر

باتوجه به مقدار سطح معنی‌داری در هریک از سازوکارهای نظام راهبری شرکتی و مقایسه آن با مقدار بحرانی ۵ درصد، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان ادعا کرد به‌جز کیفیت گزارش حسابرسی بین سازوکارهای نظام راهبری شرکتی در شرکت‌های با کیفیت گزارشگری مالی بالا در مقایسه با شرکت‌های با کیفیت گزارشگری مالی پایین، تفاوت معناداری وجود ندارد. از این رو، فرضیه دهم پژوهش، تأیید و سایر فرضیه‌های فرعی رد می‌شود.

۳-۵. سایر آزمون‌های مرتبط با فرضیه‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، علاوه بر بررسی فرضیه‌های پژوهش، با استفاده از آزمون مقایسه میانگین‌ها برای نشان دادن اعتبار یافته‌های پژوهش از الگوی رگرسیون پروبیت نیز استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷. رگرسیون پروبیت

متغیرهای توضیحی	ضرایب	خطای برآورد	آماره z	احتمال
عرض از مبدأ	-۲/۸۳۳۷	۱۷۹۹۷	-۱/۵۷۴۵	۰/۱۱۵۴
نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره	۰/۰۱۹۶	۰/۰۰۹۰	۲/۱۷۰۲	۰/۰۳۰۰
میزان سهام تحت تملک سرمایه‌گذاران نهادی	۰/۰۱۱۳	۰/۰۰۸۰	۱/۴۰۵۱	۰/۱۶۰۰
تمرکز قدرت	۰/۲۲۹۲	۰/۴۲۶۷	۰/۵۳۸۸	۰/۵۹۰۰
اندازه هیئت مدیره	۰/۹۲۸۵	۰/۴۰۷۷	۲/۲۷۷۲	۰/۰۲۲۸
ساختار مالکیت	۰/۰۳۴۱	۰/۳۷۹۳	۰/۰۹۰۱	۰/۹۲۸۲
نوع مالکیت	-۰/۵۸۸۶	۰/۰۸۹	-۱/۸۶۸۰	۰/۰۶۱
سهام شناور آزاد	۰/۰۱۵۴	۰/۰۱۰۴	۱/۴۷۶۲	۰/۱۳۹۹
اندازه حسابرسی	-۰/۳۱۰۷	۰/۳۳۳۷	-۰/۹۳۳۸	۰/۳۵۰۴
حسابرسی داخلی	-۰/۱۴۷۳	۰/۲۶۶۴	-۰/۵۵۲۹	۰/۵۸۰۳
کیفیت گزارش حسابرسی	۰/۶۴۴۵	۰/۳۰۱۲	۲/۱۳۹۴	۰/۰۳۳۴
دوره تصدی حسابرس	-۰/۲۱۱۷	۰/۴۹۰۴	-۰/۴۳۱۶	۰/۶۶۶۰
اهرم مالی	۰/۹۱۸۳	۰/۴۳۴۶	۲/۱۱۲۹	۰/۰۳۴۶
اندازه شرکت	-۰/۵۴۹۱	۰/۱۷۳۹	-۳/۱۵۷۷	۰/۰۰۱۶
آماره LR	۱۸/۹۱۲۸	احتمال آماره LR	۰/۱۲۵۸	معیار مک فادن ۰/۲۰۰۵

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، باتوجه به مقدار سطح معنی‌داری آماره LR که کمتر از مقدار بحرانی ۵ درصد است، معنی‌داری کل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید نمی‌شود. از این رو، مدل فوق برای اظهار نظر درباره روابط سازوکارهای نظام راهبری شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی، قابل اتکا نیست.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، شاخص توانایی سازوکارهای نظام راهبری شرکتی با کیفیت بالای گزارشگری مالی و شرکت‌های با کیفیت پایین گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار تهران در دوره ۷ ساله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱، براساس ۱۰۰ شرکت بررسی شد.

۶-۱. نتایج آزمون فرضیه‌های فرعی پژوهش

نتیجه فرضیه فرعی اول بیان می‌دارد، با تغییر در نسبت مدیران غیرموظف در هیئت مدیره شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تغییری در میزان کیفیت

نتایج مربوط نشان داد، بین میانگین شاخص توانایی سازوکارهای نظام راهبری شرکتی، میان دو گروه شرکت‌های با کیفیت بالای گزارشگری مالی و شرکت‌های با کیفیت پایین گزارشگری مالی، تفاوت وجود ندارد. این نتیجه، برخلاف

داشت: پیچیدگی شرکت که با ساختار مالکیت اصلی و داشتن واحدهای فرعی در کنترل شرکت اندازه‌گیری می‌شود، اثری بر گزارشگری مالی با کیفیت ازسوی واحد اصلی نداشته است.

نتیجه فرضیه فرعی ششم بیان می‌دارد، خصوصی یا دولتی بودن شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تغییری در میزان کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها ایجاد نخواهد کرد. باتوجه به نتیجه فرضیه، می‌توان اذعان داشت: علی‌رغم اجرایی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی کشور، شرکت‌های خصوصی نتوانسته‌اند نقش نظارتی و کنترلی را در گزارشگری با کیفیت بالا به‌طور اثربخش اجرا کنند. دلیل این امر، ممکن است فرایند واگذاری ناکارای شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی و تاحدودی غیررقابتی بودن بازار باشد.

نتیجه فرضیه فرعی هفتم بیان می‌دارد، با تغییر در درصد سهام شناور آزاد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تغییری در میزان کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها ایجاد نخواهد شد. باتوجه به نتیجه فرضیه، می‌توان ادعا کرد: نبود تفاوت در میانگین سهام شناور آزاد شرکت‌های با کیفیت بالا و شرکت‌های با کیفیت پایین گزارشگری مالی، نشان‌دهنده عدم تأثیرگذاری سهامداران خرد در سیاست‌های کنترلی شرکت و نیز نشانه عدم توسعه بازارهای سرمایه و زیادبودن سهم دولت در اقتصاد ایران است.

نتیجه فرضیه فرعی هشتم بیان می‌دارد، با تغییر در اندازه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تغییری در میزان کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها ایجاد نخواهد شد. باتوجه به نتیجه فرضیه، می‌توان گفت: کیفیت حسابرسی انجام‌شده ازسوی سازمان حسابرسی، به‌مراتب حاشیه امنیتی بیشتری خواهد داشت. اما کیفیت حسابرسی انجام‌شده ازسوی این سازمان، تضمین‌کننده کیفیت بالاتر گزارشگری مالی در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران نبوده است.

نتیجه فرضیه فرعی نهم بیان می‌دارد، وجود واحد حسابرسی داخلی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تغییری در میزان کیفیت گزارشگری مالی

گزارشگری مالی شرکت‌ها ایجاد نخواهد شد. باتوجه به نتیجه فرضیه، می‌توان اذعان داشت: وضعیت حاکم بر ساختار سازمانی شرکت‌ها در ایران، موجب شده است وجود صوری اعضای غیرموظف هیئت مدیره نتواند به‌عنوان سازوکار راهبری شرکت، همانند یک عامل اثرگذار و افزایش‌دهنده کیفیت گزارشگری مالی واحد اقتصادی عمل کند.

نتیجه فرضیه فرعی دوم بیان می‌دارد، دوگانه بودن ریاست هیئت مدیره و مدیرعاملی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تغییری در میزان کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها ایجاد نخواهد کرد. دلیل این امر، آن است که در ایران، بیشتر مدیرعامل‌ها، درنهایت می‌توانند عضو موظف هیئت مدیره باشند و در موارد بسیار معدودی، ریاست هیئت مدیره را نیز برعهده می‌گیرند. از این رو، این امر نمی‌تواند عامل اثرگذاری بر کیفیت گزارشگری مالی باشد.

نتیجه فرضیه فرعی سوم بیان می‌دارد، با تغییر در تعداد اعضای هیئت مدیره شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تغییری در میزان کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها ایجاد نخواهد شد. دلیل این امر، آن است که در بیشتر شرکت‌های بورسی ایرانی، تعداد اعضای هیئت مدیره، مشخص و اغلب ۵ نفر است.

نتیجه فرضیه فرعی چهارم بیان می‌دارد، با تغییر در درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تغییری در میزان کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها ایجاد نخواهد شد. دلیل این امر، آن است که سهامداران نهادی انگیزه‌هایی فراتر از کیفیت گزارشگری مالی دارند و یا توجه کمتری به آن می‌کنند. احتمالاً در ایران، عمده سهامداران نهادی از نهادهای دولتی و شبه‌دولتی هستند که وابستگی آنان به دولت، موجب کاهش انگیزه آنان در نظارت مؤثر بر کیفیت فرایند گزارشگری مالی می‌شود.

نتیجه فرضیه فرعی پنجم بیان می‌دارد، اصلی یا فرعی بودن شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تغییری در میزان کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها ایجاد نخواهد کرد. باتوجه به نتیجه فرضیه، می‌توان اذعان

استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی هم باید آگاه باشند که فقط داشتن سازوکارهای نظارتی، اطمینان کافی از کیفیت اطلاعات و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی را فراهم نمی‌کند.

سازمان بورس اوراق بهادار نیز باید سیستم منسجمی را برای ارزیابی کیفیت نظام راهبری شرکتی، اعمال و با شدت بیشتری به الزام شرکت‌ها برای اعمال نظام راهبری شرکتی کاراً و اثربخش اقدام کند. علاوه بر آن، باید با گسترش مطالعات و ادبیات نظری نظام راهبری شرکتی، فعالان بورس، اعضای هیئت مدیره شرکت‌ها، سهامداران، مؤسسات حسابرسی، پژوهشگران، ... با مباحث نظام راهبری شرکتی بیشتر آشنا شوند، تا از این طریق بتوانند، به‌نحو مناسبی، در نظام راهبری شرکتی و در نتیجه، در افزایش کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها، ایفای نقش کنند.

۷. پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

- بررسی تأثیر سایر ویژگی‌های هیئت مدیره، مانند: سن، تحصیلات، داشتن تخصص در زمینه کاری، تعداد جلسات هیئت مدیره و ... بر کیفیت گزارشگری مالی
- اندازه‌گیری شاخص توانایی نظام راهبری شرکتی، با استفاده از عوامل و سازوکارهای دیگر
- بررسی تأثیر کیفیت سازوکارهای نظام راهبری شرکت‌ها بر تصمیمات استفاده‌کنندگان
- بررسی رابطه بین کیفیت سازوکارهای نظام راهبری شرکتی و میزان انحرافات اظهارشده از اصول پذیرفته‌شده حسابداری در صورت‌های مالی
- تکرار این پژوهش، پس از تصویب و اجرایی شدن آیین‌نامه اصول راهبری شرکت در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار و مقایسه نتایج به‌دست‌آمده با نتایج این پژوهش

مرجع‌ها

حساس یگانه، یحیی. ۱۳۸۳. «مفهوم حاکمیت شرکتی و نقش آن در گزارشگری»، مقاله ارائه‌شده در سمینار گزارشگری مالی و

شرکت‌ها ایجاد نخواهد کرد. باتوجه به نتیجه فرضیه، می‌توان گفت: حسابرسان داخلی، نقش اطمینان‌دهی درباره کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بورسی نداشته‌اند. دلیل این امر، ممکن است آن باشد که وجود حسابرسان داخلی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، با تأکید بر جنبه کاربردی، بیشتر جنبه تشریفاتی داشته است.

نتیجه فرضیه فرعی دهم بیان می‌دارد که نوع اظهار نظر حسابرسان درخصوص گزارش‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، به تغییر در میزان کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها منجر خواهد شد. در شرکت‌هایی که نوع اظهار نظر حسابرسان مقبول بوده است، گزارشگری مالی با کیفیت بالایی تهیه شده است. درواقع، نتایج این فرضیه، بیانگر وجود استقلال حسابرسان در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران است.

نتیجه فرضیه فرعی یازدهم بیان می‌دارد که تغییر و جایگزینی حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تغییری در میزان کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها ایجاد نخواهد کرد. باتوجه به نتیجه فرضیه، می‌توان گفت: طولانی‌شدن دوره جایگزینی حسابرسان در شرکت‌های بورسی، علی‌رغم آنچه تصور می‌شد، نتوانسته است موجبات بهبود کیفیت گزارشات مالی را فراهم آورد.

۶-۲. پیشنهادهایی بر مبنای نتایج پژوهش

باتوجه به نتایج پژوهش، به نظر می‌رسد که نقش نظام راهبری شرکتی در بورس اوراق بهادار تهران در زمینه افزایش کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها بسیار ضعیف است؛ بنابراین:

سیاستگذاران بازار باید توجه داشته باشند، اظهار نظر مقبول حسابرسان درباره صورت‌های مالی در راستای افزایش کیفیت گزارشگری مالی، به‌تنهایی کافی نیست و ممکن است توجه به سایر سازوکارهای نظام راهبری شرکتی مناسب‌تر باشد.

- and the Prediction of Future Cash Flows”, *The Accounting Review* 76, 25-58.
- Chalaki, Pari; Didar, Hamzeh; Riahinezhad, Mohadeseh. 2012. “Corporate Governance Attributes and Financial Reporting Quality: Empirical Evidence from Iran”, *International Journal of Business and Social Science* 3(15), 87-101.
- Chang, J. Ch. & Sun, H. L. 2008. “The Relation between Earnings Informativeness, Earnings Management and Corporate Governance in The pre- and post-SOX Priods”, *Working Paper*, SSRN.
- Clarkson, P. M.; Ferguson, C.; Hall, J. 2003. “Auditor Conservatism and Voluntary Disclosure: Evidence from the year 2000 Systems Issue”, *Accounting and Finance* 43, 21-40.
- Fathi, J. 2013. “Corporate Governance System and Quality of Accounting Information”, *Mediterranean Journal of Social Science* 4(2), 129-142.
- Forker, J. J. 1992. “Corporate Governance and Disclosure Quality”, *Accounting & Business Research* 22(86), 111-124.
- Song, J. & Windram, B. 2004. “Benchmarking Audit Committee Effectiveness in Financial Reporting”, *International Journal of Auditing* 8(3), 34-59
- تحولات پیش روی، ۸ و ۹ دی‌ماه، تهران.
- سجادی، ح؛ زراءزاد، م؛ جعفری، ع. ۱۳۸۸. «بررسی ویژگی‌های غیرمالی مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی ۵۷(۵۷)، ۶۸-۵۱.
- کردستانی، غلامرضا و رحیمی، محمد. ۱۳۹۰. «بررسی عوامل تعیین‌کننده انتخاب سطح کیفیت گزارشگری مالی و اثرات اقتصادی آن در بازار سرمایه». فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی، سال اول، شماره اول.
- معین‌الدین، م. و دهقان، ف. ۱۳۹۱. اثر ساختار حاکمیت شرکتی بر کیفیت افشای اطلاعات/پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- میدری، احمد و حجاریان، سعید. ۱۳۸۳. «راهکارهای پیاده‌سازی اصول حاکمیت شرکتی در ایران». مقاله ارائه‌شده در سمینار بازار سرمایه موتور محرک توسعه اقتصادی ایران، ۷ و ۸ آذرماه، تهران.
- نهندی، یدالله و نیکومرام، هاشم. ۱۳۸۸. «تبیین و ارائه الگویی برای تعیین و ارزیابی عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی». فراسوی مدیریت ۲(۸)، ۱۸۷-۱۴۱.
- Al Sufy, F. J.; Almbaideen, H. I. M.; Alabbadi, M. H.; Makhlouf, M. H. 2013. “Corporate Governance and Its Impact on the Quality of Accounting Information in the Industrial Community Shareholding Companies Listed in Amman Financial Market-Jordan”, *International Journal of Humanities and Social Science* 3(5), 184-195.
- Barth, M. E.; Cram, D.; Nelson, K. 2001. “Accruals



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی